



## ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس تعلق‌پذیری عمومی در دانشجویان Psychometric Properties of the General Belongingness Scale in University Students

Talieh Saeidi Rezvani  
Farhad Tanhaye Reshvanloo  
Hadi Samadiye  
Hossein Kareshki

طلیحه سعیدی رضوانی\*  
فرهاد تنهای رشوانلو\*\*  
هادی صمدیه\*\*  
حسین کارشکی\*\*\*

### Abstract

The purpose of the present study was to validate and evaluate the psychometric properties of the General Belongingness Scale in students. This applied study adopted a psychometric design and its statistical population consisted of the students of the Birjand University for the 2017-18 academic year. In two studies, 164 (108 females and 56 males) and 236 (156 females and 80 males) students of the Birjand University were selected through multi-stage random sampling. The data were collected using the General Belongingness Scale (GBS), the Social and Emotional Loneliness Scale for Adults (Ditommaso, & et al, 2004), the Depression, Anxiety, Stress Scales (Lovibond & Lovibond, 1995), and the Life satisfaction Test (Diener & et al, 1985). The internal consistency, as well as the exploratory and confirmatory factor analyses, and the criterion, predictive, and constructive validity were evaluated using the SPSS.16 and AMOS.24 software. The results showed that this scale had a two-factor structure with an explained variance of 56.61%. In addition, the second-order confirmatory factor analysis was confirmed. The convergent and divergent validity for social loneliness and its predictive validity for depression and life satisfaction were all confirmed. There was no significant difference in terms of age and gender. It seems that the General Belongingness Scale (GBS) has good reliability and validity with students.

**Keywords:** General Belongingness, Reliability, Psychometrics, Birjand University

### چکیده

هدف از پژوهش حاضر، بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس تعلق‌پذیری عمومی در دانشجویان بود. این مطالعه کاربردی، یک طرح روان‌سنجی بود و جامعه آماری آن را دانشجویان دانشگاه بیرجند در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ تشکیل می‌دادند. طی دو مطالعه به ترتیب ۱۶۴ نفر (۱۰۸ دختر و ۵۶ پسر) و ۲۳۶ نفر (۱۵۶ دختر و ۸۰ پسر) از دانشجویان دانشگاه بیرجند به شیوه نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب شدند. گردآوری داده‌ها با مقیاس‌های تعلق‌پذیری عمومی (GBS)، احساس تنهایی اجتماعی و عاطفی بزرگسالان (SELSA-S)، افسردگی، اضطراب و استرس (DASS-۲۱) و رضایت از زندگی (LOT) بود. همسانی درونی، روایی عاملی اکتشافی، تأییدی، ملاکی، پیش‌بین و سازه با نرم‌افزارهای SPSS-۱۶ و AMOS-۲۴ مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که مقیاس ساختاری دو عاملی با واریانس تبیین شده ۵۶/۶۱ درصد دارد. تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم نیز، تأیید شد. روایی همگرا و واگرایی مقیاس در ارتباط با احساس تنهایی اجتماعی و روایی پیش‌بین آن در ارتباط با افسردگی و رضایت از زندگی به تأیید رسید. برحسب سن و جنسیت نیز، تفاوت معناداری به‌دست نیامد. به‌نظر می‌رسد، مقیاس تعلق‌پذیری عمومی (GBS) در دانشجویان از پایایی و روایی مناسبی برخوردار است.

**واژه‌های کلیدی:** تعلق‌پذیری عمومی، اعتباریابی، روان‌سنجی، دانشگاه بیرجند

\*نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، گروه روان‌شناسی مشاوره و تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

\*\*دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، گروه روان‌شناسی مشاوره و تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

\*\*\*دانشیار گروه روان‌شناسی مشاوره و تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

Email: talieh.saeidi@mail.um.ac.ir

Received: 9 Apr 2020

Accepted: 23 Jun 2020

پذیرش: ۹۹/۰۴/۰۳

دریافت: ۹۹/۰۱/۲۱

## مقدمه

انسان‌ها از یک سائق فراگیر برای تشکیل و حفظ حداقل روابط بین‌فردی مثبت و مهم برخوردار بوده و سعی می‌کنند در جهت ایجاد و حفظ روابط بین‌فردی مثبت گام بردارند. این سائق تضمین شده خواهد بود؛ چرا که افراد غالباً به تعامل هیجانی خوشایند با یک یا چند فرد دیگر و نیز پیش‌بینی تداوم روابط خود در آینده نیاز داشته و توجه عاطفی، پیوند بین‌فردی و پیوستگی را درک می‌کنند. چنین ادراکی برای تحقق حس تعلق‌پذیری ضروری است (باومیستر و لیری، ۱۹۹۵). تعلق‌پذیری<sup>۱</sup> که ریشه در روان‌شناسی انسان‌گرا و سلسله مراتب انگیزشی مازلو (۱۹۴۳) دارد، یکی از نیازهای بنیادین انسان به‌شمار می‌آید (کیتچن، ویلیامز و چاون، ۲۰۱۲). هاگرتی، لینچ سور، پاتوسکی، بووسما و کلیر (۱۹۹۲)، تعلق‌پذیری را تجربه شخصی مشارکت در یک سیستم یا محیط و احساس جدایی‌ناپذیری از آن می‌دانند. رایان و دسی (۲۰۰۸) نیز، احساس تعلق را احساس مرتبط بودن با دیگران و داشتن تعلق به مجموعه خود تعریف کرده و در خرده‌نظریه انگیزش روابط<sup>۲</sup> (RMT)، به‌عنوان یکی از شش خرده‌نظریه خودتعیین‌گری<sup>۳</sup> (دسی و رایان، ۱۹۸۵؛ رایان و دسی، ۲۰۱۷) به آن پرداخته‌اند. برآورده شدن نیاز به احساس تعلق، احساس رضایت در روابط یا بهزیستی در روابط را پیش‌بینی می‌کند و در صورت ارضای نیاز به خودمختاری و شایستگی، می‌تواند به روابط میان‌فردی مطلوب‌تر منتهی شود (دسی و رایان، ۲۰۱۴).

به نظر می‌رسد تعلق‌پذیری، تأثیرات مهمی بر فرآیندهای شناختی، الگوهای هیجانی، سازگاری و سلامت روان داشته باشد. مالون، پیلو و عثمان (۲۰۱۲) نشان دادند که تعلق‌پذیری با احساس تنهایی، رضایت از زندگی، پیوند اجتماعی و امنیت اجتماعی در ارتباط است. باومیستر و تاپس (۱۹۹۰) به این نتیجه رسیدند که پذیرفته نشدن افراد در گروه‌های اجتماعی، تأثیرگذارترین عاملی است که منجر به ایجاد احساس بی‌کفایتی، گناه و تجربه اضطراب می‌شود. چن (۲۰۰۳) نیز نشان داد که بالا بودن کیفیت روابط با هم‌سالان، باعث افزایش تعلق‌پذیری نوجوانان به خانواده شده و تعلق‌پذیری هم‌سالان، احساس تنهایی را کاهش می‌دهد. سایر پژوهش‌ها مؤید آن بود که تعلق‌پذیری با اهداف درونی در زندگی (آگلوز- دوران و بیلماز- سایار، ۲۰۱۶)، رضایت از زندگی (ملور، ستوکس، فیث، هایاش و کامینز، ۲۰۰۸؛ لاندی و همکاران، ۲۰۱۶؛ ساتیسی و تکین، ۲۰۱۶)، پذیرش بالا از سوی هم‌سالان (کاکس و یولریچ- فرنچ، ۲۰۱۰؛ باسکین، وامپولد، کنتانا و انرایت، ۲۰۱۰)، سرزندگی ذهنی (ساتیسی و تکین، ۲۰۱۶)، سلامت روان (لاندی و همکاران، ۲۰۱۶؛ باومیستر و لیری، ۱۹۹۵)، تشکیل روابط بین‌فردی ایمن و رضایت‌بخش (لیری، کلی، کنترل و سچریندورفر، ۲۰۱۳)، خوش‌بینی (آروک و کوپر، ۲۰۱۰) و خودکارآمدی تحصیلی (رابرت، کارول و تیموتی، ۱۹۹۶) رابطه مثبتی دارد. همچنین عدم تعلق‌پذیری رابطه مثبتی با انزوای اجتماعی، بیگانگی و تنهایی (ملور و همکاران، ۲۰۰۸؛ هاگرتی و همکاران، ۱۹۹۲؛ یل‌دیز، ۲۰۱۷)، افسردگی (چنارم، ویلیامز و هاگرتی، ۲۰۰۵؛ کاکشو و شوچت، ۲۰۱۰)، اضطراب

1. belongingness
2. Relationships Motivation Theory (RMT)
3. self-determination theory

(باومیستر و تاپس، ۱۹۹۰)، مشکلات رفتاری و بیماری جسمی (باومیستر و لیری، ۱۹۹۵) دارد. با هدف سنجش سازه تعلق‌پذیری و سازه‌های مرتبط با آن، ابزارهایی طراحی شده است. هاگرتی و پاتوسکی (۱۹۹۵) ابزار حس تعلق داشتن- تجارب روان‌شناختی<sup>۱</sup> (SOBI-P) و ابزار حس تعلق داشتن- پیشایندها<sup>۲</sup> (SOBI-A) را طراحی کردند. لی و رایبیز (۱۹۹۵) نیز تعلق‌پذیری را در ارتباط با مصاحبت رودرو، پیوندجویی با گروه‌های کوچک و پیوند با بافت اجتماعی بزرگ‌تر تعریف کرده و مقیاس‌های پیوستگی اجتماعی<sup>۳</sup> و اطمینان اجتماعی را تدوین کردند. لیری، کلی، کنترل و سچریندورفر (۲۰۰۶) مقیاس نیاز به تعلق را برای سنجش انگیزش موردپذیرش واقع شدن از سوی دیگران و اجتناب از طرد شدن ارائه دادند. مالون، پیلو و عثمان (۲۰۱۲) در مروری بر ابزارهای پیشین نشان دادند که تعلق‌پذیری تحقق‌یافته به‌لحاظ مفهومی با نیاز به تعلق تفاوت دارد. براین اساس، بر پایه رویکرد باومیستر و لیری (۱۹۹۵) و هاگرتی و همکاران (۱۹۹۲)، ابزار تعلق‌پذیری عمومی (GBS) را جهت سنجش حس تعلق تحقق‌یافته و فقدان آن طراحی کرده و برخلاف مقیاس‌های پیشین، تعادل میان عبارت‌های مثبت و منفی را مدنظر قرار دادند. مقیاس تعلق‌پذیری عمومی (GBS) مشتمل بر ۱۲ عبارت است که به دو نیمه عبارت‌های مثبت و منفی تقسیم می‌شود. نتایج بررسی روایی عاملی اکتشافی و تأییدی مقیاس، بیانگر ساختار دو عاملی مشتمل بر پذیرش/ دربرگیری<sup>۴</sup> و طرد/ ممانعت<sup>۵</sup> است. روایی همگرا و واگرایی مقیاس نیز، در ارتباط با پیوند اجتماعی، شخصیت، حس تعلق داشتن، تجارب در روابط نزدیک و احساس تنهایی موردتأیید قرار گرفته است. در بررسی روایی پیش‌بین نیز، نقش پیش‌بینی‌کننده تعلق‌پذیری عمومی در ارتباط با رضایت از زندگی، شادمانی و افسردگی تأیید شده و در نهایت، همسانی درونی مقیاس با بررسی آلفای کرونباخ و بازآزمایی مطلوب گزارش شده است (مالون، پیلو و عثمان، ۲۰۱۲). این مقیاس در سایر مطالعات که در ادامه به آن اشاره شده است، به کار رفته و اعتبار و روایی مناسبی برای آن گزارش شده است. ساتیسی و تکین (۲۰۱۶) در چهار مطالعه مستقل اعتبار و روایی مقیاس را مورد مطالعه قرار دادند. در مطالعه اول، مقیاس اصلی را ترجمه و مطابقت آن با زبان اصلی را مورد بررسی قرار دادند. در مطالعه دوم، تحلیل عاملی تأییدی مقیاس را بررسی کرده و ساختار دو عاملی پذیرش/ دربرگیری و طرد/ ممانعت را تأیید کردند. علاوه بر آن، در مطالعه دوم رابطه مثبت میان تعلق‌پذیری عمومی با وابستگی اجتماعی، امنیت اجتماعی، سرزندگی ذهنی، رضایت از زندگی و رابطه منفی آن با احساس تنهایی را نشان دادند. در مطالعه سوم، نقش پیش‌بینی‌کننده پنج عامل بزرگ شخصیت در تعلق‌پذیری عمومی را تأیید کرده و در مطالعه چهارم، پایایی مقیاس را به روش آلفای کرونباخ و بازآزمایی برای هریک از مؤلفه‌های پذیرش/ دربرگیری، طرد/ ممانعت و کل مقیاس مطلوب گزارش کردند. یلدیز (۲۰۱۷) جهت انطباق‌یابی و رواسازی مقیاس تعلق‌پذیری عمومی (GBS)، روایی سازه و روایی همگرایی مقیاس را در گروهی از نوجوانان ۱۴ تا ۱۸ سال مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحلیل عاملی اکتشافی

1. Sense of Belonging Instrument-Psychological Experiences
2. Sense of Belonging Instrument-Antecedents
3. Social Connectedness Scale
4. Acceptance/Inclusion
5. Rejection/Exclusion

و تأییدی از ساختار دو عاملی حمایت می‌کرد. نتایج بررسی روایی همگرا و واگرا نشان داد، تعلق‌پذیری با رضایت از زندگی، تعلق به والدین و تعلق به هم‌سالان رابطه مثبت و با احساس تنهایی رابطه منفی دارد. پایایی مقیاس به روش آلفای کرونباخ برای ابعاد پذیرش / دربرگیری، طرد / ممانعت و کل مقیاس به ترتیب برابر با ۰/۷۶ و ۰/۸۵ و ۰/۸۱ گزارش شد. پایایی آزمون نیز از طریق اجرا مقیاس بر روی نمونه ۹۷ نفری از دانش‌آموزان برابر با ۰/۸۰ شد. دمیرتاس، یلدیز و بایتمیر (۲۰۱۷) نیز، در مطالعه خود مقیاس را بر روی گروهی از دانش‌آموزان مقطع دبیرستان به کار بردند. در این مطالعه، رابطه مثبت بین تعلق‌پذیری عمومی، نیازهای روان‌شناختی پایه و عزت‌نفس و نقش پیش‌بینی‌کننده تعلق‌پذیری عمومی و نیازهای روان‌شناختی پایه در افزایش عزت‌نفس نوجوانان به تأیید رسید. مولر، سی هوس و پش (۲۰۲۰) نیز، مقیاس تعلق‌پذیری عمومی را بر روی گروهی از دانشجویان به کار بردند و نقش میانجی‌گرانه تعلق‌پذیری عمومی را در رابطه بین هوش هیجانی و سلامت روان نشان دادند. علاوه بر آن، آلفای کرونباخ را برای هر یک از ابعاد پذیرش / دربرگیری و طرد / ممانعت به ترتیب برابر با ۰/۹۲ و ۰/۸۹ گزارش کردند.

در مجموع، بررسی تحقیقات در خارج از ایران، حاکی از آن بود که از بین مقیاس‌های توسعه داده شده برای سنجش تعلق‌پذیری، مقیاس مالون، پیلو و عثمان (۲۰۱۲) از جامعیت بیشتری برخوردار بوده؛ به طوری که هم زمان حس تعلق تحقق‌یافته و فقدان آن را اندازه‌گیری کرده و از ویژگی‌های روان‌سنجی مطلوبی نیز برخوردار است.

بررسی پیشنهادی پژوهشی در داخل کشور نیز نشان داد که مقیاس تعلق‌پذیری عمومی (GBS)، انطباق‌یابی نشده و ابزارهای دیگری نیز جهت سنجش تعلق‌پذیری عمومی تدوین یا اعتباریابی نشده است. براین اساس، از یک سو با توجه به کوتاه بودن و جامعیت مقیاس تعلق‌پذیری عمومی (GBS) در بررسی حس تعلق تحقق‌یافته و تحقق‌نیافته و از سوی دیگر، به واسطه پیامدهای مثبت روان‌شناختی تعلق‌پذیری (ریلی و فیتزپاتریک، ۲۰۰۹)، انطباق‌یابی و بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس تعلق‌پذیری عمومی (GBS) ضروری به نظر می‌رسد. آماده‌سازی چنین ابزاری، زمینه بررسی روابط بین‌فردی و سلامت در دانشجویان را فراهم خواهد کرد. براین اساس، هدف از پژوهش حاضر اعتباریابی و بررسی ساختار عاملی مقیاس تعلق‌پذیری عمومی (GBS) در دانشجویان بود. در راستای هدف پژوهش، تلاش شده است تا به سؤالات اصلی زیر پاسخ داده شود:

- ۱- ساختار عاملی تعلق‌پذیری عمومی در گروه دانشجویان چگونه است؟
- ۲- آیا مقیاس تعلق‌پذیری عمومی در گروه دانشجویان از ویژگی‌های روان‌سنجی مطلوبی برخوردار است؟

## روش

### جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش

این مطالعه کاربردی، یک طرح روان‌سنجی است و جامعه آماری آن را دانشجویان دانشگاه بیرجند در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ تشکیل می‌دادند. از آن‌جا که بررسی روایی عاملی اکتشافی و تأییدی در یک نمونه آماری باعث ایجاد سوگیری در داده‌ها و نتایج می‌شود (تاباکنیک و فیدل، ۲۰۱۵)؛ براین اساس، دو مطالعه طرح‌ریزی

شد. در مطالعه اول، به بررسی همسانی درونی عبارت‌ها و روایی عاملی اکتشافی پرداخته شد. در مطالعه دوم، روایی عاملی تأییدی، روایی ملاکی واگرا و روایی پیش‌بین مورد بررسی قرار گرفت. متناسب با اهداف پژوهش، نمونه‌گیری در دو وهله صورت گرفت. بنابه پیشنهاد مک‌کالوم، ویدامن، ژانگ و هونگ (۱۹۹۹) حداقل حجم نمونه در مطالعات اکتشافی باید بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ نفر باشد. بنتلر و چو (۱۹۸۷) نیز برای هر عبارت مقیاس حداقل ۱۰ نفر را پیشنهاد می‌کنند. براین اساس، با وجود احتمال ریزش نفرات حجم نمونه در مطالعه اول به ۱۷۰ نفر در نظر گرفته شد. بنابه پیشنهاد کامری و لی (۱۹۹۲) در مطالعاتی که بررسی روایی عاملی تأییدی مدنظر است، ۲۰۰ نفر نسبتاً خوب و ۳۰۰ نفر خوب است. هیر، اندسن، تیتیم و بلاک (۱۹۹۵) نیز، به ازای هر متغیر ۲۰ نفر را پیشنهاد می‌کنند. براین اساس، با احتمال ریزش نفرات حجم نمونه در مطالعه دوم ۲۹۰ نفر در نظر گرفته شد. انتخاب نمونه با روش تصادفی چندمرحله‌ای صورت گرفت. بدین ترتیب که در ابتدا شش گروه تحصیلی (علوم انسانی، علوم پایه، مهندسی و فنی، کشاورزی، دامپزشکی و هنر)، در نظر گرفته شدند و سپس با مراجعه به تمامی دانشکده‌ها، از میان کلاس‌های درس برگزار شده در روز مراجعه، دو کلاس به صورت تصادفی انتخاب و پرسشنامه‌ها در میان دانشجویان حاضر در کلاس‌ها توزیع شد. همان‌طور که ذکر شد این فرآیند، در دو وهله مجزا و با فاصله زمانی دو هفته‌ای صورت گرفت و کلاس‌ها در دو مطالعه مشترک نبودند. در نهایت، در مطالعه اول، داده‌های مربوط به ۱۶۴ نفر و در مطالعه دوم، داده‌های مربوط به ۲۳۶ نفر که پرسشنامه‌ها را به‌طور کامل تکمیل کرده بودند، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

جهت آماده‌سازی ابزار، پس از کسب اجازه کتبی از تدوین‌کنندگان، ابزار توسط یک متخصص روان‌شناسی مسلط به زبان انگلیسی، به فارسی برگردانده شد. سپس توسط یک نفر عضو هیئت علمی آموزش زبان انگلیسی ترجمه معکوس شد. در نهایت، هر دو فرم توسط سه نفر از اعضای هیئت علمی روان‌شناسی تطبیق داده و برای اجرای نهایی آماده شد. تمامی اعضای هیئت علمی شرکت‌کننده در این بخش دارای سوابق علمی و پژوهشی در زمینه موضوعات مشابه پژوهش حاضر بودند.

در هر دو مطالعه، گردآوری داده‌ها به صورت گروهی و توسط پرسشگران آموزش دیده انجام شد. پرسشگران آموزش دیده بودند که پیش از اجرا، در خصوص اهداف طرح توضیحاتی به شرکت‌کنندگان ارائه و رضایت شفاهی آنان را اخذ کنند.

جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها در مطالعه اول همسانی درونی و قدرت تشخیص عبارت‌ها، سپس تحلیل عاملی اکتشافی با الگوی مؤلفه‌های اصلی اجرا شد. در مطالعه دوم، در ابتدا تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم اجرا شد. در ادامه، روایی ملاکی واگرا و همگرایی مقیاس در ارتباط با احساس تنهایی اجتماعی با محاسبه ضریب همبستگی پیرسون مورد بررسی قرار گرفت. روایی پیش‌بین مقیاس در ارتباط با افسردگی و رضایت از زندگی با رگرسیون چندگانه بررسی شد و در نهایت، روایی سازه مقیاس برحسب سن و جنسیت با ضریب همبستگی پیرسون و آزمون  $t$  مستقل مورد بررسی قرار گرفت. تحلیل‌ها با نرم‌افزار SPSS-۱۶ و AMOS-۲۴ اجرا شد.

### ابزار سنجش

**مقیاس تعلق‌پذیری عمومی<sup>۱</sup> (GBS):** این مقیاس توسط مالون، پیلو و عثمان (۲۰۱۲) ابداع شد. مقیاس تعلق‌پذیری عمومی دارای ۱۲ عبارت بوده و در طیف هفت درجه‌ای لیکرت از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۷) نمره‌گذاری می‌شود. این مقیاس از دو خرده‌مقیاس پذیرش/ دربرگیری (۶ عبارت) و طرد/ ممانعت (۶ عبارت) تشکیل شده است. نمرات بالاتر در هر خرده‌مقیاس به معنای سطح بالاتر آن ویژگی در فرد است. در محاسبه نمره کل، باید عبارت‌های خرده‌مقیاس طرد/ ممانعت معکوس شوند. مالون، پیلو و عثمان (۲۰۱۲) در بررسی روایی مقیاس از تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی استفاده کرده و ساختار دو عاملی (پذیرش/ دربرگیری و طرد/ ممانعت) مورد تأیید قرار دادند. آنان ضریب آلفای کرونباخ پذیرش/ دربرگیری و طرد/ محرومیت و نمره کل را به ترتیب ۰/۷۶ و ۰/۸۵ و ۰/۸۱ گزارش کردند. ضریب بازآزمایی نیز ۰/۸۰ به دست آمد. روایی عاملی و پایایی مقیاس تعلق‌پذیری عمومی، در مطالعات ساتیسی و تکین (۲۰۱۵) و یلدیز (۲۰۱۷) نیز تأیید شد.

**مقیاس احساس تنهایی اجتماعی و عاطفی بزرگسالان<sup>۲</sup> (SELSA-S):** جهت بررسی روایی واگرا، از زیرمقیاس احساس تنهایی اجتماعی در فرم کوتاه مقیاس احساس تنهایی اجتماعی و عاطفی بزرگسالان استفاده شد. این مقیاس توسط دی‌توماسو، برانن و بست (۲۰۰۴) تدوین شده و دارای سه زیرمقیاس احساس تنهایی رمانتیک<sup>۳</sup>، خانوادگی<sup>۴</sup> و اجتماعی<sup>۵</sup> است. نمره‌گذاری این مقیاس در طیف پنج درجه‌ای لیکرت و از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۵) صورت می‌گیرد. زیرمقیاس احساس تنهایی اجتماعی دارای پنج عبارت است. نمره تمامی عبارت‌ها، باید به صورت معکوس محاسبه شود. نمرات بالاتر به معنای احساس تنهایی اجتماعی بیشتر است. روایی همگرای مقیاس در مطالعه اصلی در ارتباط با مقیاس احساس تنهایی UCLA<sup>۶</sup> برابر با  $r=0.73$  و آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۷ گزارش شده است. جوکار و سلیمی (۱۳۹۰)، روایی عاملی مقیاس را مطلوب گزارش کردند و آلفای کرونباخ احساس تنهایی اجتماعی را ۰/۸۴ به دست آوردند. علاوه بر آن، میان ادراک حمایت اجتماعی ( $r=-0.68$ ) و رضایت از زندگی ( $r=-0.23$ ) با احساس تنهایی اجتماعی روابط منفی و معناداری را تأیید کردند. آلفای کرونباخ در مطالعه حاضر ۰/۸۶ به دست آمد.

**مقیاس افسردگی، اضطراب و استرس<sup>۷</sup> (DASS-۲۱):** این مقیاس توسط لوی‌باند و لوی‌باند در سال ۱۹۹۵ تدوین شد. جهت بررسی روایی واگرا، از مقیاس افسردگی، اضطراب و استرس استفاده شد. این مقیاس دارای ۲۱ عبارت است که هر هفت عبارت آن به یک زیرمقیاس اختصاص می‌یابد. نمره‌گذاری مقیاس در طیف چهار درجه‌ای از هیچ وقت (صفر) تا همیشه (۳) صورت می‌گیرد و نمرات بالاتر به معنای شیوع بیشتر خواهد بود. در مطالعه اصلی روایی عاملی اکتشافی و نیز روایی همگرا در ارتباط با سیاهه افسردگی بک مطلوب گزارش

1. General Belongingness Scale (GBS)
2. The Social and Emotional Loneliness Scale for Adults (SELSA-S)
3. Romantic Loneliness
4. family
5. social
6. University of California, Los Angeles, Loneliness Scale
7. Depression, Anxiety, Stress Scale (DASS)

شده است ( $r=0/73$ )، آلفای کرونباخ زیرمقیاس افسردگی در مطالعه اصلی  $0/91$  به دست آمده است. صاحبی، اصغری و سالاری (۱۳۸۴) روایی عاملی و همگرا در ارتباط با سیاهه افسردگی بک ( $r=0/70$ ) و همچنین اعتبار مناسبی را در نمونه ایرانی گزارش کرده‌اند. ضریب آلفای کرونباخ افسردگی در مطالعه حاضر  $0/73$  به دست آمد.

**مقیاس رضایت از زندگی<sup>۱</sup> (SWLS)** این مقیاس توسط داینر، امونس، لارسن و گریفین در سال ۱۹۸۵ ابداع شد. جهت بررسی روایی پیش‌بین، از مقیاس رضایت از زندگی استفاده شد. این مقیاس دارای پنج عبارت است که در طیف هفت درجه‌ای لیکرت از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۷) نمره‌گذاری می‌شوند. مجموع نمرات فرد محاسبه شده و نمره بالاتر به معنای رضایت بیشتر از زندگی است. در مطالعه اصلی روایی عاملی و روابط همگرایی مقیاس در ارتباط با عواطف مثبت ( $r=0/50$ ) و عواطف منفی ( $r=-0/37$ )، مطلوب گزارش شده است. معروفی‌زاده، قاهری، سامانی و عزآبادی (۲۰۱۶) روایی همگرایی مقیاس را در ارتباط با اضطراب ( $r=-0/41$ ) و افسردگی ( $r=-0/43$ ) مطلوب گزارش کردند و ضریب آلفای کرونباخ را  $0/89$  به دست آوردند. آلفای کرونباخ در مطالعه حاضر  $0/85$  بود.

## یافته‌ها

### الف) توصیف جمعیت شناختی

توصیف جمعیت شناختی نمونه‌های پژوهشی در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱- توصیف جمعیت شناختی نمونه‌های پژوهشی

شاخص*	مطالعه اول (n=۱۶۴)		مطالعه دوم (n=۲۳۶)	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
سن	۲۱/۶۳	۳/۶۷	۲۱/۴۷	۲/۷۳
جنسیت	زن	۱۰۸	۱۵۶	۶۶/۱
	مرد	۵۶	۸۰	۳۳/۹
وضعیت تأهل	مجرد	۱۲۸	۱۷۵	۷۵/۴
	متاهل	۳۶	۶۱	۲۴/۶
وضعیت محل زندگی	همراه با خانواده	۸۲	۱۲۴	۵۲/۵
	خوابگاه دانشجویی	۸۲	۱۱۲	۴۷/۵
دوره تحصیلی	کارشناسی	۱۴۹	۲۱۸	۹۲/۸
	کارشناسی ارشد	۱۵	۱۷	۷/۲
رشته تحصیلی	علوم انسانی	۷۲	۹۸	۴۱/۵
	علوم پایه	۲۵	۲۹	۱۲/۳
	فنی و مهندسی	۴۲	۵۸	۲۴/۶
کشاورزی، دامپزشکی و هنر	۲۵	۱۵/۲	۵۱	۲۱/۶

جدول ۱، نشان داد که میانگین سنی شرکت کنندگان در مطالعه اول و دوم به ترتیب ۲۱/۶۳ و ۲۱/۴۷ بود. در مطالعه اول ۶۵/۹ درصد و در مطالعه دوم ۶۶/۱ درصد را زنان تشکیل می‌دادند. نسبت افراد متأهل در مطالعه اول ۲۲ درصد و در مطالعه دوم ۲۴/۶ درصد بود. در مطالعه اول ۵۰ درصد و در مطالعه دوم ۵۲/۵ درصد دانشجویان به همراه خانواده زندگی می‌کردند. در مطالعه اول ۹۰/۹ درصد و در مطالعه دوم ۹۲/۸ درصد دانشجوی دوره کارشناسی بودند. در مطالعه اول به ترتیب ۴۳/۹ درصد، ۱۵/۲ درصد، ۲۵/۶ درصد و ۱۵/۲ درصد دانشجویان در رشته‌های گروه علوم انسانی، علوم پایه، فنی و مهندسی، کشاورزی، دامپزشکی و هنر مشغول به تحصیل بودند. این نسبت‌ها در مطالعه دوم به ترتیب ۴۱/۵ درصد، ۱۲/۳ درصد، ۲۴/۶ درصد و ۲۱/۶ درصد بود.

#### ب) یافته‌های مطالعه اول

در مطالعه اول (۱۶۴ نفر) به بررسی همسانی درونی و قدرت تشخیص عبارت‌ها پرداخته شد. بدین ترتیب که همبستگی نمره هر عبارت با سایر عبارت‌ها و نیز با نمره کل مقیاس بررسی شد. حداقل ضریب همبستگی ۰/۳۰ به پیشنهاد کوهن (۱۹۹۲) به عنوان اندازه اثر متوسط و خط برش در نظر گرفته شد. نتایج اولیه گویای بود که عبارت‌ها دارای همسانی درونی و قدرت تشخیص مناسبی هستند. چرا که همبستگی میان عبارت‌ها از ۰/۳۰ تا ۰/۷۴ و همبستگی عبارت‌ها با نمره کل نیز از ۰/۳۱ برای عبارت ۶ تا ۰/۶۱ برای عبارت ۲ در تغییر بود. آلفای کرونباخ برای کل مقیاس نیز برابر با ۰/۸۲ و ضریب دو نیمه کردن ۰/۸۹ به دست آمد. با حذف هیچ‌یک از عبارت‌ها، آلفای کرونباخ افزایش نمی‌یافت. براین اساس، در این مرحله هیچ‌یک از عبارت‌ها حذف نشدند. شاخص‌های توصیفی و ضرایب همسانی درونی در جدول ۲، آورده شده است.



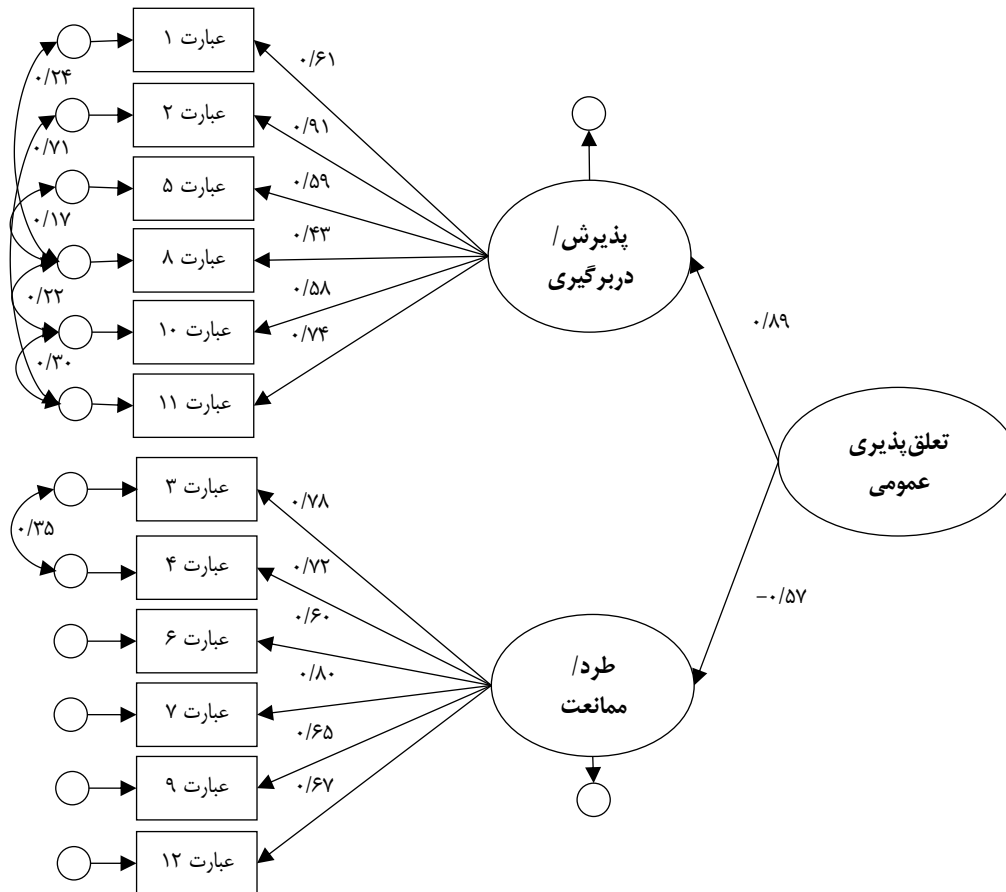
جدول ۲- شاخص‌های توصیفی و نتایج بررسی همسانی درونی و تحلیل عاملی مقیاس تعلق‌پذیری عمومی

بارهای عاملی		شاخص‌های توصیفی						عبارت‌ها
پذیرش /	طرد /	الفای	همبستگی	انحراف			میانگین	
دربرگیری	ممانعت	کرونباخ	با نمره کل	کجی کشیدگی	معیار			
	۰/۸۳	۰/۷۹	۰/۶۰	-۰/۵۵	-۰/۸۰	۱/۸۸	۵/۲۴	۳- حس می‌کنم یک غریبه‌ام.
	۰/۸۰	۰/۷۹	۰/۶۰	-۰/۹۲	-۰/۵۱	۱/۹۱	۴/۹۵	۷- حس می‌کنم از دنیا جدا افتاده‌ام.
	۰/۷۹	۰/۸۰	۰/۴۹	-۰/۵۳	-۰/۷۴	۱/۷۶	۵/۲۱	۴- حس می‌کنم دیگران به من اهمیتی نمی‌دهند.
	۰/۷۱	۰/۸۱	۰/۴۸	-۰/۱۸	-۰/۹۲	۱/۷۹	۴/۳۵	۱۲- دوستان و خانواده‌ام مرا در برنامه‌هایشان شرکت نمی‌دهند.
	۰/۶۹	۰/۸۲	۰/۳۱	-۰/۸۰	-۰/۱۸	۱/۷۰	۴/۵۵	۶- حس می‌کنم حتی در تعطیلات، به خاطر نداشتن حس تعلق از دیگران دورم.
	۰/۶۵	۰/۸۰	۰/۵۲	-۰/۷۹	-۰/۵۷	۱/۸۸	۴/۸۰	۹- در حضور دیگران، احساس غریبی می‌کنم.
	-۰/۸۲		۰/۳۷	-۰/۶۳	-۰/۴۶	۱/۷۴	۴/۷۳	۱- وقتی با دیگران هستم، احساس بودن می‌کنم.
	-۰/۷۷		۰/۲۸	-۰/۹۹	-۰/۰۶	۱/۸۰	۴/۲۷	۸- به دیگران احساس تعلق می‌کنم.
	-۰/۷۶		۰/۶۱	-۰/۰۱	-۰/۷۹	۱/۶۲	۵/۲۱	۲- پیوندهای نزدیکی با خانواده و دوستانم دارم.
	-۰/۷۱		۰/۴۷	-۰/۹۹	-۰/۳۵	۱/۸۵	۴/۷۰	۱۰- هنگام غذا خوردن، کنار دیگران می‌نشینم.
	۰/۶۴		۰/۴۱	۰/۰۳	-۰/۷۲	۱/۵۹	۴/۶۵	۵- احساس می‌کنم از طرف دیگران پذیرفته شده‌ام.
	-۰/۶۲		۰/۵۲	۰/۳۰	-۰/۹۲	۱/۵۶	۵/۳۴	۱۱- با دیگران در ارتباطم.
	۲/۶۶	۴/۱۴	ارزش ویژه					
	۲۲/۱۳	۳۴/۴۸	واریانس تبیین شده					

در بررسی روایی عاملی اکتشافی با الگوی مؤلفه‌های اصلی، ابتدا به محاسبه شاخص کیزر-میر-الکین (KMO) برای بررسی کفایت نمونه‌برداری و آزمون کرویت بارتلت<sup>۱</sup> پرداخته شد. نتایج نشان داد که با مقدار KMO برابر با ۰/۸۱ و رد فرض صفر در آزمون کرویت بارتلت ( $P=۰/۰۰۰۱$ ،  $DF=۶۶$  و  $\chi^2=۷۸۷/۶۳$ ) شرایط برای تحلیل عاملی وجود دارد. تحلیل مؤلفه‌های اصلی با چرخش ابلیمین مستقیم<sup>۲</sup> در نظر گرفتن بارعاملی بیشتر از ۰/۴۰ اجرا شد. تحلیل اولیه دو عامل با ارزش ویژه بالاتر از ۱ را به دست می‌داد. نمودار اسکری نیز، از این ساختار حمایت می‌کرد. واریانس تبیین شده این ساختار ۵۶/۶۱ درصد بود. ارزش ویژه، واریانس تبیین شده و بارهای عاملی مربوط به هر عبارت در جدول ۱، آورده شده است. نتایج نشان می‌دهد تمامی عبارتها دارای بارعاملی بزرگ‌تر از ۰/۶۰ هستند. مقایسه ساختار به دست آمده با نسخه اصلی نشان از عدم تغییر در ساختار عاملی داشت.

در مطالعه دوم (۲۳۶ نفر)، به منظور تأیید ساختار عاملی به دست آمده، تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم با نرم‌افزار AMOS-۲۴ و روش بیشینه درست‌نمایی اجرا شد. جهت بررسی برازش مدل شاخص‌های متعددی وجود دارد. غیرمعنادار بودن آماره  $\chi^2$  یکی از شاخص‌های برازش مدل است که از حجم نمونه تأثیر می‌پذیرد و باید با درجات آزادی مدل اصلاح شود. نتایج تحلیل اولیه نشان داد که تمامی بارهای عاملی بزرگ‌تر از ۰/۴۵ بوده و در سطح کوچک‌تر از  $\alpha=۰/۰۱$  معنادارند؛ اما مدل از شاخص‌های برازش مناسبی برخوردار نبود ( $\chi^2=۱۷۶/۵۷$ ،  $DF=۵۳$ ،  $P=۰/۰۰۰۱$ ،  $\chi^2/DF=۳/۳۳$ ،  $GFI=۰/۸۹$ ،  $AGFI=۰/۸۴$ ،  $CFI=۰/۸۹$ ،  $NFI=۰/۸۵$  و  $RMSEA=۰/۱۰$ ). برای اصلاح مدل‌های تحلیل عاملی تأییدی سازوکارهای متعددی وجود دارد. در نظر گرفتن حداقل بارعاملی قابل قبول (۰/۳۰) و نیز حذف مسیرهای غیرمعنادار (میرز، گامست و گووارینو، ۲۰۱۶) و برقراری روابط میان خطاهایی که از بُعد نظری با یکدیگر در ارتباطند (تاباکنیک و فیدل، ۲۰۱۵) از این جمله‌اند. بررسی بارهای عاملی نشان داد که حداقل بارعاملی عبارت‌ها ۰/۴۵ بوده و تمامی بارهای عاملی معنادارند ( $P<۰/۰۵$ ). براین اساس و مبتنی بر شاخص‌های اصلاح نرم‌افزار به برقراری کوواریانس خطای عبارت‌ها پرداخته شد. برقراری کوواریانس خطای میان عبارت‌های ذیل یک عامل واحد، باعث افزایش برازش مدل تأییدی شد ( $\chi^2=۹۵/۵۷$ ،  $DF=۴۷$ ،  $P=۰/۰۱$ ،  $\chi^2/DF=۲/۰۳$ ،  $GFI=۰/۹۴$ ،  $AGFI=۰/۹۰$ ،  $CFI=۰/۹۶$ ،  $NFI=۰/۹۲$  و  $RMSEA=۰/۰۶$ ). حداقل بارعاملی در ساختار اصلاح شده ۰/۴۳ بوده و تمامی ضرایب معنادار بودند ( $P<۰/۰۵$ ). بارهای عاملی در شکل ۱، ارائه شده است.

- 
1. Bartlett Sphericity Test
  2. Direct Oblimin Rotation



شکل ۱- بارهای عاملی تأییدی مقیاس تعلق‌پذیری عمومی

در بررسی روایی ملاکی واگرا و همگرا، همبستگی ابعاد و نمره کل مقیاس تعلق‌پذیری عمومی (GBS) با احساس تنهایی اجتماعی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج در جدول ۳ آورده شده است.

جدول ۳- شاخص‌های توصیفی و ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهشی

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱- پذیرش / دربرگیری	-						
۲- طرد / ممانعت	-۰/۲۸**	-					
۳- تعلق‌پذیری عمومی	۰/۵۰**	۰/۶۹**	-				
۴- احساس تنهایی اجتماعی	-۰/۴۷**	-۰/۲۷**	-۰/۱۲*	-			
۵- افسردگی	-۰/۲۸**	-۰/۳۹**	-۰/۱۳*	۰/۲۲**	-		
۶- رضایت از زندگی	-۰/۴۰**	-۰/۲۶**	۰/۲۴**	-۰/۴۱**	-۰/۴۵**	-	
۷- سن	-۰/۰۱	-۰/۰۳	-۰/۰۴	۰/۰۱	-۰/۱۴*	۰/۰۶	-
میانگین	۲۹/۱۶	۱۷/۶۲	۴۶/۷۸	۱۲/۳۶	۶/۰۶	۲۱/۸۳	۲۱/۴۷
انحراف معیار	۷/۱۷	۸/۶۴	۹/۵۴	۴/۸۵	۴/۶۶	۶/۹۹	۲/۸۴

نتایج جدول ۳ نشان داد که همبستگی منفی و معناداری میان پذیرش/ دربرگیری ( $r = -0/47$  و  $P < 0/01$ ) و نمره کل تعلق‌پذیری عمومی ( $r = -0/12$  و  $P < 0/05$ ) با احساس تنهایی اجتماعی وجود دارد. رابطه طرد/ ممانعت با احساس تنهایی اجتماعی مثبت و معنادار بود ( $r = 0/27$  و  $P < 0/01$ ).

بررسی روایی پیش‌بین از طریق محاسبه رگرسیون چندگانه افسردگی و رضایت از زندگی، برحسب ابعاد تعلق‌پذیری عمومی صورت گرفت. در گام اول، بررسی ضرایب همبستگی (جدول ۳) نشان داد که میان پذیرش/ دربرگیری با افسردگی رابطه منفی ( $r = -0/27$ ) و با رضایت از زندگی ( $r = 0/40$ ) رابطه مثبت وجود دارد. رابطه طرد/ ممانعت با افسردگی ( $r = 0/40$ ) نیز مثبت و معنادار و با رضایت از زندگی ( $r = -0/26$ ) منفی و معنادار بود. تمامی ضرایب در سطح کوچک‌تر از  $0/01$  معنادار بودند.

در بررسی مفروضات تحلیل رگرسیون، نمودار باکس نشان داد که پرت تک متغیره‌ای وجود ندارد؛ مقادیر بزرگ‌تر از  $0/01$  آماره فواصل ماهالانوبیس<sup>۱</sup> با اصلاح براساس درجات آزادی ۲ (میرز، گامست و گووارینو، ۲۰۱۶) نشان داد که پرت چندمتغیره‌ای وجود ندارد؛ بررسی نرمال بودن تک‌متغیره با در نظر گرفتن کجی  $\pm 2$  (شوماخر و لوماکس، ۲۰۱۲) و کشیدگی  $\pm 7$  (وست، فینچ و کارن، ۱۹۹۵) نشان‌دهنده نرمال بودن تک‌متغیره بود؛ ضرایب آماره کالموگروف-اسمیرنوف برای مدل پیش‌بینی افسردگی ( $Z = 0/04$  و  $df = 236$ ,  $P \geq 0/05$ ) و مدل پیش‌بینی رضایت از زندگی ( $Z = 0/03$  و  $df = 236$ ,  $P \geq 0/05$ ) غیرمعنادار بوده و نرمال بودن توزیع باقیمانده‌ها محقق شد؛ ضرایب آماره دوربین واتسون برای مدل افسردگی و رضایت از زندگی به ترتیب برابر با  $1/85$  و  $1/92$  و استقلال خطاها را مورد تأیید قرار داد. عدم هم‌خطی میان متغیره‌های پیش‌بین با آماره‌های تولرانس و VIF به ترتیب برابر با  $0/92$  و  $1/09$  بوده و عدم هم‌خطی را نشان می‌داد. در نهایت، تحلیل رگرسیون در جدول ۴ آورده شده است.

جدول ۴- نتایج تحلیل رگرسیون جهت بررسی روایی پیش‌بین

متغیره‌های ملاک	متغیره‌های پیش‌بین	R	R <sup>2</sup>	R <sup>2</sup> adjusted	F*	b	S.E	Beta	t*
افسردگی	پذیرش/ دربرگیری	0/43	0/18	0/17	25/75	-0/12	0/04	-0/19	-3/06
	طرد/ ممانعت					0/18	0/03	0/33	5/37
رضایت از زندگی	پذیرش/ دربرگیری	0/43	0/18	0/17	25/53	0/34	0/06	0/35	5/66
	طرد/ ممانعت					-0/13	0/05	-0/16	-2/59

\* تمامی ضرایب F و t در سطح کوچک‌تر از  $0/01$  معنا دارند.

نتایج جدول ۴، نشان داد که واریانس تبیین شده مدل پیش‌بینی افسردگی برابر با  $R^2 = 0/18$  بوده و مدل معنادار است ( $P \leq 0/01$ ). در این مدل پذیرش/ دربرگیری پیش‌بینی‌کننده منفی و طرد/ ممانعت پیش‌بینی‌کننده مثبت افسردگی بودند. سهم طرد/ ممانعت در پیش‌بینی افسردگی بیشتر از پذیرش/ دربرگیری بود ( $0/33$ ) در برابر

۰/۱۹-). سایر نتایج نشان داد که در مدل رضایت از زندگی، واریانس تبیین شده مدل برابر با  $R^2=0/18$  بوده و مدل معنادار است ( $P \leq 0/01$ ). در این مدل، پذیرش/ دربرگیری پیش‌بینی‌کننده مثبت و طرد/ ممانعت پیش‌بینی‌کننده منفی رضایت از زندگی بودند. سهم پذیرش/ دربرگیری در پیش‌بینی رضایت از زندگی بیشتر از طرد/ ممانعت بود (۰/۳۵ در برابر ۰/۱۶-).

در بررسی روایی سازه، همبستگی ابعاد و نمره کل تعلق‌پذیری عمومی با سن شرکت‌کنندگان مورد بررسی قرار گرفت. نتایج همبستگی پیرسون (جدول ۳) نشان داد که رابطه معناداری میان سن و تعلق‌پذیری عمومی وجود ندارد ( $P > 0/05$ ). بررسی تفاوت‌های جنسیتی با آزمون t مستقل صورت گرفت. نتایج نشان داد که توزیع متغیرها به تفکیک گروه‌ها برای پذیرش/ دربرگیری ( $P \geq 0/05$ ،  $df=236$  و  $Z=0/03$ ) و طرد/ ممانعت ( $P \geq 0/05$ ،  $df=236$  و  $Z=0/04$ ) و همچنین نمره کل تعلق‌پذیری عمومی ( $P \geq 0/05$ ،  $df=236$  و  $Z=0/03$ ) نرمال بوده و همگنی واریانس‌ها نیز در هر سه متغیر محقق شده است ( $P > 0/05$ ). نتایج آزمون t مستقل در جدول ۵ آورده شده است.

جدول ۵- نتایج آزمون t مستقل جهت بررسی تفاوت‌های جنسیتی

متغیرهای ملاک	گروه	میانگین	انحراف معیار	آماره t	درجات آزادی	سطح معناداری
پذیرش/ دربرگیری	دختر	۲۹/۴۳	۷/۴۱	۰/۸۲	۲۳۴	۰/۴۱
	پسر	۲۸/۶۳	۶/۶۹			
طرد/ ممانعت	دختر	۱۷/۸۶	۷/۹۶	۰/۶۰	۲۳۴	۰/۵۵
	پسر	۱۷/۱۵	۹/۸۷			
تعلق‌پذیری عمومی	دختر	۴۷/۲۹	۹/۰۷	۱/۱۶	۲۳۴	۰/۲۵
	پسر	۴۵/۷۸	۱۰/۳۹			

نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد که تفاوت معناداری میان دو جنس در ابعاد و نمره کل تعلق‌پذیری عمومی وجود ندارد ( $P > 0/05$ ).

در نهایت، بررسی پایایی مقیاس در مطالعه اول با محاسبه آلفای کرونباخ برای پذیرش/ دربرگیری و طرد/ ممانعت و نمره کل تعلق‌پذیری عمومی، ضرایب ۰/۸۲، ۰/۸۵ و ۰/۸۲ و با محاسبه ضریب دو نیمه کردن به ترتیب ضرایب ۰/۸۹، ۰/۸۶ و ۰/۷۹ را نشان داد. در مطالعه دوم، ضرایب آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۸۲، ۰/۸۶ و ۰/۸۴ و ضرایب دو نیمه کردن به ترتیب ۰/۷۸، ۰/۸۵ و ۰/۸۸ به دست آمدند.

## بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر، بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس تعلق‌پذیری عمومی (GBS) در دانشجویان بود. یافته‌ها نشان داد که همسانی درونی مناسبی میان عبارات‌های مقیاس و نیز هر عبارت با نمره کل وجود دارد. پایایی مقیاس نیز در سطح مطلوبی قرار داشت. این یافته با پژوهش‌های پیشین (مالون، پیلو و عثمان، ۲۰۱۲؛ ساتیسی و تکین، ۲۰۱۵؛ یلدیز، ۲۰۱۷؛ دمیرتاس، یلدیز و بایتمیر، ۲۰۱۷) هم‌سو است. آنان نیز همسانی

درونی و پایایی مناسبی را برای ابعاد و نمره کل مقیاس گزارش کرده بودند. براین اساس، به نظر می‌رسد مقیاس تعلق‌پذیری عمومی (GBS) در دانشجویان از پایایی مناسبی برخوردار است.

بررسی ساختار عاملی با تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی نشان داد، مقیاس از ساختاری دو عاملی (پذیرش/درب‌گیری و طرد/ممانعت) برخوردار است. تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم، نشان از بارعاملی مناسب عبارت‌ها بر روی عامل‌ها و نیز بارعاملی مناسب هر دو عامل بر روی سازه زیربنایی داشت. این یافته با نتایج پژوهش (مالون، پیلو و عثمان، ۲۰۱۲؛ ساتیسی و تکین، ۲۰۱۵؛ یلدیز، ۲۰۱۷) هم‌سو است. براین اساس، روایی عاملی مقیاس تعلق‌پذیری عمومی (GBS) در دانشجویان با ساختاری دو عاملی و داشتن نمره کل به تأیید می‌رسد.

نتایج بررسی روایی ملاکی همگرای مقیاس نشان داد، روابط مثبت و معناداری میان مؤلفه طرد/ممانعت با احساس تنهایی اجتماعی وجود دارد. این یافته با نتایج پژوهش (باومیستر و لیری، ۱۹۹۵؛ مالون، پیلو و عثمان، ۲۰۱۲ و ساتیسی و تکین، ۲۰۱۵) هم‌سو است. باومیستر و لیری (۱۹۹۵) بر این باورند که فقدان تعلق‌پذیری به تأثیرات نامطلوبی همچون کاهش سطح سلامتی، شادمانی و سازگاری منجر می‌شود و افرادی که فاقد حس تعلق‌پذیری هستند از نشانگان روانی و جسمی جدی‌تری رنج می‌برند و مستعد دامنه وسیعی از مشکلات رفتاری هستند. بررسی روایی ملاکی واگرای مقیاس نیز نشان داد که روابط منفی و معناداری میان مؤلفه پذیرش/درب‌گیری و نمره کل تعلق‌پذیری عمومی با احساس تنهایی اجتماعی وجود دارد. این یافته با نتایج پژوهش‌های (مالون، پیلو و عثمان، ۲۰۱۲؛ ساتیسی و تکین، ۲۰۱۵ و یلدیز، ۲۰۱۷) هم‌سو است. یلدیز (۲۰۱۷) رابطه منفی و معناداری میان تعلق‌پذیری عمومی با احساس تنهایی به‌دست آورد. علاوه‌براین، در سایر پژوهش‌ها (گیلیوت و باومیستر، ۲۰۰۷؛ کاکشو و شوچت، ۲۰۱۰؛ هاگرتی و پاتوسکی، ۱۹۹۵) نیز، روابط منفی و معناداری میان تعلق‌پذیری و احساسات منفی همانند افسردگی، اضطراب و احساس تنهایی به‌دست آمده است. براین اساس، می‌توان روایی ملاکی همگرا و واگرای مقیاس تعلق‌پذیری عمومی (GBS) را مناسب ارزیابی کرد.

بررسی روایی پیش‌بین نشان‌دهنده آن بود که پذیرش/درب‌گیری، پیش‌بینی‌کننده مثبت و طرد/ممانعت، پیش‌بینی‌کننده منفی رضایت از زندگی هستند؛ به‌طوری که سهم پذیرش/درب‌گیری در پیش‌بینی رضایت از زندگی بیشتر از طرد/ممانعت است. این یافته نیز با نتایج پژوهش‌های (مالون، پیلو و عثمان، ۲۰۱۲؛ ساتیسی و تکین، ۲۰۱۵؛ یلدیز، ۲۰۱۷) هم‌سو است. مالون، پیلو و عثمان (۲۰۱۲) به این نتیجه رسیدند که تعلق‌پذیری عمومی با تنهایی، رضایت از زندگی، پیوند اجتماعی و امنیت اجتماعی در ارتباط است. ساتیسی و تکین (۲۰۱۵) نیز رابطه مثبتی میان تعلق‌پذیری عمومی با وابستگی اجتماعی، امنیت اجتماعی، سرزندگی ذهنی و رضایت از زندگی به‌دست آوردند. بررسی روایی سازه در ارتباط با سن و جنسیت نشان داد، میان سن با ابعاد و نمره کل تعلق‌پذیری عمومی رابطه معناداری وجود ندارد. برحسب جنسیت نیز تفاوت معناداری در ابعاد و نمره کل تعلق‌پذیری عمومی به‌دست نیامد. این نتایج با مطالعه اسپیهار، فرست و استنسونگ (۲۰۱۶) هم‌سو است. آنان در مطالعه خود رابطه معناداری میان سن، جنسیت و میزان تحصیلات با تعلق‌پذیری به‌دست نیاوردند.

در مجموع به نظر می‌رسد، مقیاس تعلق‌پذیری عمومی (GBS) ابزاری است که با ۱۲ عبارت و ساختاری

دو عاملی دارای پایایی مطلوبی است. علاوه بر آن، این مقیاس از روایی عاملی، روایی همگرا و واگرا و نیز روایی پیش‌بین مناسبی برخوردار بوده و برحسب سن و جنسیت نتایج متفاوتی به‌دست نمی‌دهد. براساس یافته‌های حاصل از پژوهش حاضر، استفاده از این مقیاس در میان زنان و مردانی که در دامنه سنی ۱۸ تا ۴۴ سال قرار دارند، از روایی و پایایی مناسبی برخوردار است؛ اما به‌نظر می‌رسد استفاده از این مقیاس باید با احتیاط صورت گیرد. چرا که همانند سایر پژوهش‌ها، مطالعه حاضر نیز با محدودیت‌هایی از قبیل اجرا در یک بافت فرهنگی و اجتماعی خاص، تعداد کم نمونه پژوهش و عدم بررسی پایایی بازآزمایی همراه بوده است. این محدودیت‌ها تعمیم نتایج را به سایر گروه‌ها و بافت‌های اجتماعی و فرهنگی با محدودیت مواجه می‌سازد. بررسی روایی همگرا در ارتباط با سایر مقیاس‌های مربوط به تعلق‌پذیری و روابط بین‌فردی و نیز، بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی در جمعیت عمومی به پژوهشگران آتی پیشنهاد می‌شود.

## منابع

- جوکار، ب.، و سلیمی، ع. (۱۳۹۰). ویژگی‌های روان‌سنجی فرم کوتاه مقیاس احساس تنهایی اجتماعی و عاطفی بزرگسالان. *مجله علوم رفتاری*. ۱۵(۴)، ۳۱۷-۳۱۱.
- صاحبی، ع.، اصغری، م. ج.، و سالاری، ر. س. (۱۳۸۴). اعتباریابی مقیاس افسردگی اضطراب و تنیدگی (DASS-۲۱) برای جمعیت ایرانی. *روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*. ۱(۴)، ۵۴-۳۶.

## References

- Baskin, T. W., Wampold, B. E., Quintana, S. M., & Enright, R. D. (2010). Belongingness as a protective factor against loneliness and potential depression in a multicultural middle school. *The Counseling Psychologist*, 38(5), 626-651.
- Baumeister, R. F., & Leary, M. R. (1995). The need to belong: Desire for interpersonal attachments as a fundamental human motivation. *Psychological Bulletin*, 117(3), 497-529.
- Baumeister, R. F., & Tice, D. M. (1990). Point-counterpoints: Anxiety and social exclusion. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 9(2), 165-195.
- Bentler, P. M., & Chou, C. P. (1987). Practical issues in structural modeling. *Sociological Methods & Research*, 16(1), 78-117.
- Chen, W. C. (2003). *Adolescent interpersonal relationship quantity and quality, belongingness, and loneliness*. Unpublished Doctoral Thesis, the Department of Educational Psychology, the University of Texas at Austin, Texas.
- Choenarom, C., Williams, R. A., & Hagerty, B. M. (2005). The role of sense of belonging and social support on stress and depression in individuals with depression. *Archives of Psychiatric Nursing*, 19(1), 18-29.
- Cockshaw, W. D., & Shochet, I. M. (2010). The link between belongingness and depressive symptoms: An exploration in the workplace interpersonal context. *Australian Psychologist*, 45(4), 283-289.

- Cohen, J. (1992). A power primer. *Psychological Bulletin*, *112*(1), 155-159.
- Comrey, A. L., & Lee, H. B. (1992). *A first Course in Factor Analysis*. Hillsdale, NJ: Erlbaum.
- Cox, A. E., & Ullrich-French, S. (2010). The motivational relevance of peer and teacher relationship profiles in physical education. *Psychology of Sport and Exercise*, *11*(5), 337-344.
- Deci, E. L., & Ryan, R. M. (1985). *Intrinsic motivation and self-determination in human behavior*. New York: Plenum.
- Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2014). Autonomy and need satisfaction in close relationships: Relationships motivation theory. In *Human motivation and interpersonal relationships* (53-73). Springer, Dordrecht.
- Demirtaş, A. S., Yıldız, M. A., & Baytemir, K. (2017). General belongingness and basic psychological needs as predictors of self-esteem in adolescents. *Journal of Educational Sciences & Psychology*, *7*(2), 48-58.
- Diener, E. D., Emmons, R. A., Larsen, R. J., & Griffin, S. (1985). The satisfaction with life scale. *Journal of Personality Assessment*, *49*(1), 71-75.
- Ditommaso, E., Brannen, C., & Best, L. A. (2004). Measurement and validity characteristics of the short version of the social and emotional loneliness scale for adults. *Educational and Psychological Measurement*, *64*(1), 99-119.
- Gailliot, M. T., & Baumeister, R. F. (2007). Self-esteem, belongingness, and worldview validation: Does belongingness exert a unique influence upon self-esteem? *Journal of Research and Personality*, *41*(2), 327-345.
- Hagerty, B. M., & Patusky, K. (1995). Developing a measure of sense of belonging. *Nursing Research*, *44*(1), 9-13
- Hagerty, B. M., Lynch-Sauer, J., Patusky, K. L., Bouwsema, M., & Collier, P. (1992). Sense of belonging: A vital mental health concept. *Archives of Psychiatric Nursing*, *6*(3), 172-177.
- Hair, J. F. J., Anderson, R. E., Tatham, R. L., & Black, W. C. (1995). *Multivariate data analysis* (4th ed.). Saddle River, NJ: Prentice Hall.
- Kitchen, P., Williams, A., & Chowhan, J. (2012). Sense of belonging and mental health in Hamilton, Ontario: An intra-urban analysis. *Social Indicators Research*, *108*(2), 277-297.
- Landry, A. T., Kindlein, J., Trépanier, S. G., Forest, J., Zigarmi, D., Houson, D., & Brodbeck, F. C. (2016). Why individuals want money is what matters: Using self-determination theory to explain the differential relationship between motives for making money and employee psychological health. *Motivation and Emotion*, *40*(2), 226-242.
- Leary, M. R., Kelly, K. M., Cottrell, C. A., & Schreindorfer, L. S. (2013). Construct validity of the need to belong scale: Mapping the nomological network. *Journal of Personality Assessment*, *95*(6), 610-624.
- Leary, M. R., Kelly, K. M., Cottrell, C. A., & Schreindorfer, L. S. (2006). *Individual*



- differences in the need to belong: Mapping the nomological network*. Unpublished manuscript, Wake Forest University.
- Lee, R. M., & Robbins, S. B. (1995). Measuring belongingness: The social connectedness scale and the social assurance scale. *Journal of Counseling Psychology*, 42(2), 232-241.
- Lovibond, P. F., & Lovibond, S. H. (1995). The structure of negative emotional states: Comparison of the Depression Anxiety Stress Scales (DASS) with the Beck Depression and Anxiety Inventories. *Behavior Research and Therapy*, 33(3), 335-343.
- MacCallum, R. C., Widaman, K. F., Zhang, S., & Hong S. (1999). Sample size in factor analysis. *Psychological Methods*, 4(1), 84-99.
- Malone, G. P., Pillow, D. R., & Osman, A. (2012). The general belongingness scale (GBS): Assessing achieved belongingness. *Personality and Individual Differences*, 52(3), 311-316.
- Maroufizadeh, S., Ghaheri, A., Samani, R. O., & Ezabadi, Z. (2016). Psychometric properties of the satisfaction with life scale (SWLS) in Iranian infertile women. *International Journal of Reproductive BioMedicine*, 14(1), 57-62.
- Mellor, D., Stokes, M., Firth, L., Hayash, Y., & Cummins, R. (2008). Need for belonging, relationship satisfaction, loneliness, and life satisfaction. *Personality and Individual Differences*, 45(3), 213-218.
- Meyers, L. S., Gamst, G., & Guarino, A. J. (2016). *Applied multivariate research: Design and interpretation*. Sage publications.
- Moeller, R. W., Seehuus, M., & Peisch, V. (2020). Emotional intelligence, belongingness, and mental health in college students. *Frontiers in Psychology*, 11, 93.
- O'Rourke, J., & Cooper, M. (2010). Lucky to be happy: A study of happiness in Australian primary students. *Australian Journal of Educational & Developmental Psychology*, 10, 94-107.
- Ogluz-Duran, N., & Yilmaz-Sayar, D. (2016). The sense of belonging as a predictor of life goals among turkish counselor candidates. *Online Journal of Counseling & Education*, 5(2), 50-62.
- Reilly, J. E. R., & Fitzpatrick, J. J. (2009). Perceived stress and sense of belonging in doctor of nursing practice students. *Journal of Professional Nursing*, 25(2), 81-86.
- Robert W, R., Carol, M., & Timothy C. U. (1996). Perceptions of the school psychological environment and early adolescents' psychological and behavioral functioning in school: The mediating role of goals and belonging. *Journal of Educational Psychology*, 88(3), 408-422.
- Ryan, R. M., & Deci, E. L. (2008). Self-determination theory and the role of basic psychological needs in personality and the organization of behavior. *Handbook of personality: Theory and research* (3rd ed, pp 654-678). New York: The Guilford Press.

- Ryan, R. M., & Deci, E. L. (2017). *Self-determination theory: Basic psychological needs in motivation, development, and wellness*. Guilford Publications.
- Satici, S. A., & Tekin, E. G. (2016). Psychometric properties of the general belongingness scale in Turkish youth. *Current Psychology*, 35(4), 625-631.
- Schumacker, R. E., & Lomax, R. G. (2012). *A beginner's guide to structural equation modeling*. Psychology Press.
- Spehar, I., Forest, J., & Stenseng, F. (2016). Passion for Work, Job Satisfaction, and the Mediating Role of Belongingness. *Scandinavian Journal of Organizational Psychology*, 8(1), 5-14.
- Tabachnick, B. G., & Fidell, L. S. (2015). *Using Multivariate Statistics.*, (Baloğlu, M., Çev. Ed.). Ankara: Nobel Yayıncılık.
- West, S. G., Finch, J. F. & Curran, P. J. (1995). Structural equation models with non-normal variables: Problems and remedies, In R. H. Hoyle (Ed.), *Structural equation modeling: Concepts, issues and ...* 56-75), Sage, Thousand Oaks, 1995.
- Yildiz, M. A. (2017). Adaptation of general belongingness scale into Turkish for adolescents: Validity and reliability studies. *Journal of Education and Training Studies*, 5(2), 223-231.